



یک شنبه ۸ اردیبهشت ماه ۱۳۹۲

بخش قسمت یازدهم

سعد وقاص گفت: ای‌عبدالرحمان پیش از آنکه مردم به فتنه افتند، کار را یکسره کن. عبدالرحمان گفت: نظر کرده‌ام و مشورت، ای گروه بد گمان نباشید؛ آنگاه علی را خواست و گفت: با خدا عهد و پیمان می کنی که به کتاب خدا و سنت رسول و سیرت دو خلیفه‌ی پس از وی عمل کنی؟ علی گفت: امید وارم چنین کنم، به اندازه‌ی علم و توان خویش عمل می کنم. آنگاه عثمان را خواست و با او نیزچنان گفت که با علی گفته بود عثمان گفت: آری. و عبدالرحمان با وی بیعت کرد علی گفت: برای مدتی دراز بارو با گذاشتی، این نخستین روزی نیست که برضد ما همدستی کرده اید! صبری نکو یاید و از خدا بر آنچه می گوید کمک باید خواست، به خدا عثمان را خلیفه کردی که خلافت را به تو پس دهد! عبدالرحمان گفت: ای علی! بدگمان نباش من نظر کرده‌ام و با کسان مشورت، کسی را با عثمان برابر نمی گیرند، علی برقت و می گفت: این نامه به سر خواهد رسید. مقداد گفت: بخدا کار را از کسانی که به حق حکم می کنند و به حق عدالت، بازگرتی. عبدالرحمان گفت: ای مقداد! خدا پترس که بیم دارم به فتنه افتی؟ فهان روز که با عثمان بیعت کرده بودند، طلحه پیامد، به او گفتند: با عثمان بیعت کرده‌اند! گفت: همه‌ی قریش به آن رضایت دارند؟ گفتند: آری. طلحه پیش عثمان رفت، عثمان گفت: هنوز اختیار کار کهن سال جلوتر گرفته‌اند، زینهار و وزیران و کدخدایانی که از عدم فراموشی آیین های ایران است! ایرانیان به نیروی نظامی متوسل شدند و توانستند حکومت اموی را براندازند. نویسندگان و شاعران شعوبی، کسانی که زبان پارسی دری را رونق دادند، دهقانان و امیرزادگان و وزیران و کدخدایانی که از عدم فراموشی آیین های ایران کهن سال جلوتر گرفته‌اند، همه دران تلاش دست داشتند وعده‌ای جان خود را بر سر آن گذاشتند (ندوشن، ۲۶)

از هه مهتر حکیم فردوسی طوسی این دهقان زاده ی ایران دوست، زبان و آیین و اساطیر ایران را با باز نویسی شاهنامه که پیش از سی سال عمر و ثروت خود را صرف آن نمود، زنده ساخت و توانست زبان و فرهنگ ایرانی را از گزند اعراب حفظ نماید و برای یکی خاص خود آنرا به سلطان محمود ترک غازی، تقدیم نمود تا به این شکل آنرا از خطر سوختن مصون دارد. حرف بر سر دو چیز بود: نخست آنکه ایرانی که تمدنی در خشان و دیرینه داشته، هزار سال ابر قدرت و گردانندگی نبی از جهان بوده، نمی تواند؛ موالی وزیر دست باقی بماند! شعویان بر این موضوع تکیه داشتند و نفر عن نبی حساب و تبعیض های امویان که دایر بر تحقیر اقوام فتح شده وحتا بزبان آنها بود، کاسه ی تبرها را لبریز کرده؛ و شاعرانی را و داشت تا کلمات بسیار تلخ درباره ی آنها [اعراب] بزبان آورند، این جریانات از جانب فرمانروایان ایرانی تنویق می شد، چنانکه طاهر بن حسین سی هزار درهم، به یک شعوبی که کتابی درنکوشش عرب نوشته بود پاداش داد، یعقوب لیث صفار، قصیده‌ی متوکل شعوبی را برای خلیفه ی بغداد فرستاد! (ندوشن، سرو سوايه فکن ۲۷)

موضوع دوم؛ ستم و فساد خاندان بنی امیه و بنی عباس بود که اسلام را از سرچشمه‌ی آغازین خود بر گردانده و دینی که بیشتر برادری و برابری شناخته می شد، در دست پسر زیاد و حجاج بن یوسف و قتیبه، به خون ریزترین شیوه ما آلوده شده بود،

اکثر خلفای اموی و عباسی ازار تکاب آشکارنامه‌ی ابا نداشتند؛ ابا نداشتند، ای خلیفه عبود اموی، تنها عمر بن عبدالعزیز سرزنش نا پذیر مانده است، عبدالملک مروان که به نام اسلام و قرآن حکومت می کرد، در چون خیر خلیفه شدنش را به او دادند، در حال قرآن خواندن بود، آنرا بست و گفت: هنذا فراق بینی و بینک [دیگر جدایی بین من و تو افتاد] گذشته از بلند پروازی های متعصب و مایزبان فتح ایران نیز مطرح بود! چهار سلسله ی ایرانی: طاهریان، صفاریان، زیاریان، بویان، کوشیدند تا دست حکومت عباسیان را از ایران کوتاه کنند. و تا اندازه‌ای موفق شدند که سلطه ی مستقیم عرب از ایران قطع گردید، با اینکه عباسیان بر عکس اموان نسبت به زبان و فرهنگ ایرانی حساسیتی نداشتند، ابراهیم امام که پایه گذار سلسله ی بنی عباس است، به او بوسلم خراسانی نوشت: کاری کن که یک نفر در ایران به عربی صحبت نکند. (مطهری، خدمات ۹۱)

و اگر این کوشش ها به کامیابی کامل نرسید، برای آن بود که ترکان و ترکمانان از را رسیدند و ستونی بر سقف مخروبه زدند! «در کنار چاره گری های سیاسی که نمایند گانش خانواده ی برمکی و دوزمان سامانی بودند، تلاش فرهنگی نیز بوده است، روزبه بن مفتح، نخستین کسی است که ملی پیمان ایران گذشته و ایران

کند. (مطهری، خدمات ۹۱)

از اگر این کوشش ها به کامیابی کامل نرسید، برای آن بود که ترکان و ترکمانان از را رسیدند و ستونی بر سقف مخروبه زدند! «در کنار چاره گری های سیاسی که نمایند گانش خانواده ی برمکی و دوزمان سامانی بودند، تلاش فرهنگی نیز بوده است، روزبه بن مفتح، نخستین کسی است که ملی پیمان ایران گذشته و ایران

آگهی تغییرات شرکت ساریان نیروی جنوب سهامی خاص به شماره ثبت ۱۰۸۶۰۲۵۴۰۴۳ و شناسه ملی ۱۰۸۶۰۲۵۴۰۴۳

برابر صورت جلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۹۷/۹/۳۰ و مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده و هیات مدیره ۹۷/۹/۲۲ شرکت موصوف فوق تصمیماتی بشرح ذیل اتخاذ نمود:

۱- محمد حسین جعفری و بهنام جعفری به ترتیب به عنوان بازرس اصلی و علی البدل برای مدت یکسال مالی انتخاب شدند.

۲- روزنامه کنیترال انتشار طلوع جهت درج آگهی های شرکت انتخاب شد.

۳- زینب زهرا بعنوان رئیس هیات مدیره و محمد زرمی بعنوان نائب رئیس هیات مدیره و زینب زرمی بعنوان عضو هیات مدیره برای مدت دو سال انتخاب شدند و بهمن زرمی با حفظ سمت بعنوان مدیر عامل برای مدت دو سال انتخاب شد و حق امضا کلیه اسناد و اوراق رسمی و بهادار و تمهد آور مالی و بانکی با امضا بهمن زرمی و محمد زرمی و مهر شرکت معتبر می باشد و سایر نامه های اداری با امضا بهمن زرمی و مهر شرکت معتبر خواهد بود. شماره: ۹۷/۹/۲۰۸۴ - **کنیل ثبت اسناد کازرون - داود انصاری** ۲/۴۶

آگهی تغییرات شرکت افشان مازن نی سهامی خاص به شماره ثبت ۱۷۲۳۳ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۳۴۷۱۳۷

برابر صورت جلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۹۷/۱۱/۲۷ و هیات مدیره مورخ ۹۷/۱۱/۲۸ شرکت موصوف فوق تصمیماتی به شرح ذیل اتخاذ نمود:

۱- سرمایه شرکت از مبلغ یازده میلیون ریال به مبلغ بیست و یک میلیون ریال از محل پرداخت نقدی مورد تصویب مجمع واقع شد و نتیجه سرمایه شرکت مبلغ یکصد و سه میلیون ریال منقسم به ده هزار و یکصد سهم با نام عادی ده هزار ریالی که طی گواهی شماره ۲۴۴/۵۳۳-۹۷/۱۱/۲۸ در بانک صادرات شهبه فلکه کازرون که تماما پرداخت شده می باشد افزایش یافت و ماده مربوط به اساسنامه به شرح مذکور اصلاح گردید. شماره: ۹۷/۱۱/۲۹-۹۷/۱۱/۲۸ **کنیل ثبت اسناد کازرون - داود انصاری** ۲/۴۶

آگهی ابلاغ دادنامه حقوقی ۲/۴۷
بدینوسیله به مهرداد کمای فرزند منصور ابلاغ میگردد بوجه دادنامه شماره ۵۳۳-۹۷/۱۱/۲۸ در پرونده کلاسه ۹۷/۳۶۸ پیوسته مطالبه مبلغ بیست میلیون ریال به انضمام کلیه خسارات دادرسی و حق الوکاله وکیل و خسارت تاخیر از تاریخ ۸۸/۱۲/۱۹ لغایت یوم الوصول محکوم به پرداخت مبلغ پینجاه میلیون ریال به انضمام کلیه خسارات دادرسی اعم از هزینه دادرسی و خسارت تاخیر تادیه از تاریخ ۸۸/۱۱/۱۹ لغایت یوم الوصول در حق خواهان عبدالحمید پرویزی را گردیده اید بلحاظ غیابی بودن آرای صادره می توانید ظرف بیست روز از تاریخ انتشار آگهی تقاضای واخواهی نمائید و سپس ظرف ۲۰ روز پس از آرای قایل تجدیدنظرخواهی در محاکم عموی حقوقی شهرستان کازرون می باشد.
رئیس شورای حل اختلاف ف شهبه

آگهی ابلاغ وقت رسیدگی ۲/۴۷
حسب ماده ۷۳ قانون دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی با توجه به دعوی مریم رستمی فرزند وفادار بطرفیت آقای حسین رستمی فرزند جمشید دایر بر تقاضای صدور گواهی عدم امکان سازش و صدور حکم طلاق بدینوسیله به آقای حسین رستمی فلا مجهول امکان ابلاغ می گردد تا جلسه رسیدگی روز ۱۳۹۷/۳/۱۸ ساعت ۹:۳۰ صبح در شعبه اول دادگاه عمومی حقوقی شهرستان رستم جهت دفاع از دعوی مطرحه وارد حاضر شوند در غیر این صورت وفق قانون و مقررات اتخاذ تصمیم خواهد شد.
مدیر دفتر شعبه اول دادگستری شهرستان رستم ۲/۴۸

آگهی حصوراوت ۲/۴۶
خانم گوهر محمدی پور به شماره شناسنامه ۷۴ به استناد شهادتنامه و گواهی فوت و فتوحی شناسنامه ورته در خواستی به شماره ۹۲-۲۴ تقدیم این شورا نموده و چنین اشعار داشته که شادروان رسول محمدی پور به شماره شناسنامه ۱۰۴۳ در تاریخ ۹۷/۱۱/۲۹ در اقامتگاه دائمی خود درگذشته و ورته حین القوت وی عبارتتند از:

۱- دادر محمدی پور به ش.ش ۷۴ کازرون متولد ۱۳۳۷ پدر متوفی ۲- گوهر محمدی پور به ش.ش ۷۸ کازرون متولد ۱۳۳۷ مادر متوفی اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.
قاضی شعبه دهمتان ادیشیری شورای حل بخت چنار شایمان - محمد کوردی

اندیشه

ایرانیان و خاندان علی(ع):

بیشتر فارسی حرف زده می شده است تا عربی. سرانجام هم پس از شکست مختار؛ آنان بیشتر از همه قربانی دادند. طبری نوشته است که آخرین بارش هزار تن ایرانی که در محاصره افتاده بودند. از دم تیغ گنگشتند. (ندوشن، ۲۵)

این شش هزار تن دست از جنگ کشیده بودند و از طرف زبیر تأمین جانی گرفته بودند، ولی سعیت و کینه از پارسیان بقدری بود که هیچکس به حمایت آنها برخواست وهمه را گردن زدند، یکی از خونخوارترین واقعه‌ی تاریخ را بی شرمنامه رقم زدند! ایرانیان این جنایات را در خاطر سپردند تا در فرصت مناسب جبران کنند.

سرنگونی بنی امیه، پاسخ قشادسیه:

«در سال ۱۳۲ هجری ۷۴۰ میلادی، در جنگ «زاب» حکومت بنی امیه بدست سپاه خراسان برافتاد، و تقریباً تمام خانواده ی اموی نابود شدند، بعضی مورخان این را پاسخ قشادسیه گرفته اند! سالها بعد در نبردی که بین امین ومأمون پسران هارون الرشید در گرفت، مأمون که مادرش ایرانی بود و در خراسان می زیست، پشتیبانی ایرانیان را به خود جلب کرد وطاهر بن حسین خراسانی، در ۱۹۸ هجری سر امین را برید و نزد برادرش مأمون به «مر»(فرستاد. (ندوشن، ۲۶)

ایرانیان در دوران سلطه ی بنی امیه از عمال فرومایه یوبی فرهنگشان، تحقیر و تجاوز بسیار دیده اند، تعصب نژادی فرزندان ابوسفیان، ملت آزاده و نژاده ی ایران را به عکس العمل واداشت؛ گروهی بر اثر خشم و نفرت از آنان، با همه ی مظاهر عرب به دشمنی برخاست و دین اسلام را متعلق به عربان دانسته و کمر به محو آن بستند! گروهی دیگر حساب اسلام را از قوم عرب جدا نمود و در حین اعتقاد به شریعت، به نبرد با نفوذ سلطه ی جهانی ی اعراب برخاستند و به تقبیح قوم ی تمدنی که همه ی زند گیش به غارت و کشتار ودلالی گذشته است پرداختند و پاسخ کلوخ را با سنگ دادند! عربها خود را بالاتر از دیگران می پنداشتند و بر ملت‌های مسلمان غیر عرب مباحثات می کردند، آنان را موالی[نوکر می خواندند، نافع بن جبیر از تابعان نامی همین که جنازه‌ای می دید، اگر از قریش بود می گفت: افسوس که از قوم من یکی کم شد! اگر عرب بود می گفت: افسوس هموطنی رفت، اگر غیر عرب موالی بود می گفت: کالای خداست می خواهد برید با بگذارد، عربها می گفتند: سه چیز نامز را در هم می شکنند: سگ و الاغ و موالی. [ایرانی] در زمان امویان دولت سیاسی شد و شمشیر تعصب بجای رهنز کاری به میان آمد، بنی امیه برای انتشار زبان عربی؛ در ممالک اسلامی اقدامات مهمی کردند، و مصر قبطی و شام رومی و عراق کلدانی یا نبطی را در تدریج به ممالک عرب تبدیل نمودند. (جرجی زیدان، تاریخ تمدن اسلام، ص ۶۹۸)

«معاوران بنی امیه به ذمیان [کسانی که به دین خود ماندند و به حکومت پول پرداخت کردند] سخت می گرفتند و آنها ناچار مسلمان می شدند، در سال ۱۱۰ هجری شخصی به نام اشرس، والی خراسان شد و ابوسفیاده را به سمرقند فرستاد تا مردم آنجا و به اسلام دعوت کند، مردم سمرقند دسته دسته اسلام آوردند [تا از پرداخت جزیه رها شوند] اما فرماندار سمرقند به والی خراسان نوشت: با این اقدام درآمد نقصان یافته است، والی به فرماندار دستور داد: چون اسلام اهل سمرقند برای ندان جزیه بوده، باید وقت شود هر کس ختنه کرده و نماز و روزه بجا آورد و سوره‌ای از قرآن دانسته، از پرداخت جزیه معاف باشد و گر نه جزیه بدهد، مردم این کار را انجام دادند و درآمد کم شد والی دانست به خشم آمد به فرماندار دستور داد هر کس بیش از مسلمان شدن جزیه می داده، حلاله ماید بدهد،» (زیدان، پ ۷۱۸)

♦ فاجعه ی دلخراش:

«سلمان عبدالملک خلیفه ی مروانی، یزید بن مهلب را به امارت خراسان فرستاد، یزید لشکری فرمان آورد تا با فتح گرگان و طبرستان قلمرو خود را وسعت دهد، هر نظام کامه و نامشروع است، این به نام اسلام مسند نشین فاسد، حتّاً وجود حضرت رضا را در اندک تحلل کند، که در تمام ایران چگونه چنین حکومتی را بپذیرند؟ لذا مبارزه ادامه می یابد، از خلافت معاویه و نگاه حقارت بارش به ایرانیان، مبارزان سلحشور ایران از پای ننشستند، تا بساط بنی امیه را برانداختند و بانی عباس نیز به مبارزه پرداختند و ایران را از سلطه ی خلفای بغداد رها ساختند، حکومت طاهریان پایانی بود بر این سلطه ی نامشروع خلفای عرب.

یزید بن مهلب را به امارت خراسان فرستاد، یزید لشکری فرمان آورد تا با فتح گرگان و طبرستان قلمرو خود را وسعت دهد، هر نظام کامه و نامشروع است، این به نام اسلام مسند نشین فاسد، حتّاً وجود حضرت رضا را در اندک تحلل کند، که در تمام ایران چگونه چنین حکومتی را بپذیرند؟ لذا مبارزه ادامه می یابد، از خلافت معاویه و نگاه حقارت بارش به ایرانیان، مبارزان سلحشور ایران از پای ننشستند، تا بساط بنی امیه را برانداختند و بانی عباس نیز به مبارزه پرداختند و ایران را از سلطه ی خلفای بغداد رها ساختند، حکومت طاهریان پایانی بود بر این سلطه ی نامشروع خلفای عرب.

یزید بن مهلب را به امارت خراسان فرستاد، یزید لشکری فرمان آورد تا با فتح گرگان و طبرستان قلمرو خود را وسعت دهد، هر نظام کامه و نامشروع است، این به نام اسلام مسند نشین فاسد، حتّاً وجود حضرت رضا را در اندک تحلل کند، که در تمام ایران چگونه چنین حکومتی را بپذیرند؟ لذا مبارزه ادامه می یابد، از خلافت معاویه و نگاه حقارت بارش به ایرانیان، مبارزان سلحشور ایران از پای ننشستند، تا بساط بنی امیه را برانداختند و بانی عباس نیز به مبارزه پرداختند و ایران را از سلطه ی خلفای بغداد رها ساختند، حکومت طاهریان پایانی بود بر این سلطه ی نامشروع خلفای عرب.

یزید بن مهلب را به امارت خراسان فرستاد، یزید لشکری فرمان آورد تا با فتح گرگان و طبرستان قلمرو خود را وسعت دهد، هر نظام کامه و نامشروع است، این به نام اسلام مسند نشین فاسد، حتّاً وجود حضرت رضا را در اندک تحلل کند، که در تمام ایران چگونه چنین حکومتی را بپذیرند؟ لذا مبارزه ادامه می یابد، از خلافت معاویه و نگاه حقارت بارش به ایرانیان، مبارزان سلحشور ایران از پای ننشستند، تا بساط بنی امیه را برانداختند و بانی عباس نیز به مبارزه پرداختند و ایران را از سلطه ی خلفای بغداد رها ساختند، حکومت طاهریان پایانی بود بر این سلطه ی نامشروع خلفای عرب.

یزید بن مهلب را به امارت خراسان فرستاد، یزید لشکری فرمان آورد تا با فتح گرگان و طبرستان قلمرو خود را وسعت دهد، هر نظام کامه و نامشروع است، این به نام اسلام مسند نشین فاسد، حتّاً وجود حضرت رضا را در اندک تحلل کند، که در تمام ایران چگونه چنین حکومتی را بپذیرند؟ لذا مبارزه ادامه می یابد، از خلافت معاویه و نگاه حقارت بارش به ایرانیان، مبارزان سلحشور ایران از پای ننشستند، تا بساط بنی امیه را برانداختند و بانی عباس نیز به مبارزه پرداختند و ایران را از سلطه ی خلفای بغداد رها ساختند، حکومت طاهریان پایانی بود بر این سلطه ی نامشروع خلفای عرب.

یزید بن مهلب را به امارت خراسان فرستاد، یزید لشکری فرمان آورد تا با فتح گرگان و طبرستان قلمرو خود را وسعت دهد، هر نظام کامه و نامشروع است، این به نام اسلام مسند نشین فاسد، حتّاً وجود حضرت رضا را در اندک تحلل کند، که در تمام ایران چگونه چنین حکومتی را بپذیرند؟ لذا مبارزه ادامه می یابد، از خلافت معاویه و نگاه حقارت بارش به ایرانیان، مبارزان سلحشور ایران از پای ننشستند، تا بساط بنی امیه را برانداختند و بانی عباس نیز به مبارزه پرداختند و ایران را از سلطه ی خلفای بغداد رها ساختند، حکومت طاهریان پایانی بود بر این سلطه ی نامشروع خلفای عرب.

یزید بن مهلب را به امارت خراسان فرستاد، یزید لشکری فرمان آورد تا با فتح گرگان و طبرستان قلمرو خود را وسعت دهد، هر نظام کامه و نامشروع است، این به نام اسلام مسند نشین فاسد، حتّاً وجود حضرت رضا را در اندک تحلل کند، که در تمام ایران چگونه چنین حکومتی را بپذیرند؟ لذا مبارزه ادامه می یابد، از خلافت معاویه و نگاه حقارت بارش به ایرانیان، مبارزان سلحشور ایران از پای ننشستند، تا بساط بنی امیه را برانداختند و بانی عباس نیز به مبارزه پرداختند و ایران را از سلطه ی خلفای بغداد رها ساختند، حکومت طاهریان پایانی بود بر این سلطه ی نامشروع خلفای عرب.

یزید بن مهلب را به امارت خراسان فرستاد، یزید لشکری فرمان آورد تا با فتح گرگان و طبرستان قلمرو خود را وسعت دهد، هر نظام کامه و نامشروع است، این به نام اسلام مسند نشین فاسد، حتّاً وجود حضرت رضا را در اندک تحلل کند، که در تمام ایران چگونه چنین حکومتی را بپذیرند؟ لذا مبارزه ادامه می یابد، از خلافت معاویه و نگاه حقارت بارش به ایرانیان، مبارزان سلحشور ایران از پای ننشستند، تا بساط بنی امیه را برانداختند و بانی عباس نیز به مبارزه پرداختند و ایران را از سلطه ی خلفای بغداد رها ساختند، حکومت طاهریان پایانی بود بر این سلطه ی نامشروع خلفای عرب.

یزید بن مهلب را به امارت خراسان فرستاد، یزید لشکری فرمان آورد تا با فتح گرگان و طبرستان قلمرو خود را وسعت دهد، هر نظام کامه و نامشروع است، این به نام اسلام مسند نشین فاسد، حتّاً وجود حضرت رضا را در اندک تحلل کند، که در تمام ایران چگونه چنین حکومتی را بپذیرند؟ لذا مبارزه ادامه می یابد، از خلافت معاویه و نگاه حقارت بارش به ایرانیان، مبارزان سلحشور ایران از پای ننشستند، تا بساط بنی امیه را برانداختند و بانی عباس نیز به مبارزه پرداختند و ایران را از سلطه ی خلفای بغداد رها ساختند، حکومت طاهریان پایانی بود بر این سلطه ی نامشروع خلفای عرب.

یزید بن مهلب را به امارت خراسان فرستاد، یزید لشکری فرمان آورد تا با فتح گرگان و طبرستان قلمرو خود را وسعت دهد، هر نظام کامه و نامشروع است، این به نام اسلام مسند نشین فاسد، حتّاً وجود حضرت رضا را در اندک تحلل کند، که در تمام ایران چگونه چنین حکومتی را بپذیرند؟ لذا مبارزه ادامه می یابد، از خلافت معاویه و نگاه حقارت بارش به ایرانیان، مبارزان سلحشور ایران از پای ننشستند، تا بساط بنی امیه را برانداختند و بانی عباس نیز به مبارزه پرداختند و ایران را از سلطه ی خلفای بغداد رها ساختند، حکومت طاهریان پایانی بود بر این سلطه ی نامشروع خلفای عرب.

یزید بن مهلب را به امارت خراسان فرستاد، یزید لشکری فرمان آورد تا با فتح گرگان و طبرستان قلمرو خود را وسعت دهد، هر نظام کامه و نامشروع است، این به نام اسلام مسند نشین فاسد، حتّاً وجود حضرت رضا را در اندک تحلل کند، که در تمام ایران چگونه چنین حکومتی را بپذیرند؟ لذا مبارزه ادامه می یابد، از خلافت معاویه و نگاه حقارت بارش به ایرانیان، مبارزان سلحشور ایران از پای ننشستند، تا بساط بنی امیه را برانداختند و بانی عباس نیز به مبارزه پرداختند و ایران را از سلطه ی خلفای بغداد رها ساختند، حکومت طاهریان پایانی بود بر این سلطه ی نامشروع خلفای عرب.

یزید بن مهلب را به امارت خراسان فرستاد، یزید لشکری فرمان آورد تا با فتح گرگان و طبرستان قلمرو خود را وسعت دهد، هر نظام کامه و نامشروع است، این به نام اسلام مسند نشین فاسد، حتّاً وجود حضرت رضا را در اندک تحلل کند، که در تمام ایران چگونه چنین حکومتی را بپذیرند؟ لذا مبارزه ادامه می یابد، از خلافت معاویه و نگاه حقارت بارش به ایرانیان، مبارزان سلحشور ایران از پای ننشستند، تا بساط بنی امیه را برانداختند و بانی عباس نیز به مبارزه پرداختند و ایران را از سلطه ی خلفای بغداد رها ساختند، حکومت طاهریان پایانی بود بر این سلطه ی نامشروع خلفای عرب.

یزید بن مهلب را به امارت خراسان فرستاد، یزید لشکری فرمان آورد تا با فتح گرگان و طبرستان قلمرو خود را وسعت دهد، هر نظام کامه و نامشروع است، این به نام اسلام مسند نشین فاسد، حتّاً وجود حضرت رضا را در اندک تحلل کند، که در تمام ایران چگونه چنین حکومتی را بپذیرند؟ لذا مبارزه ادامه می یابد، از خلافت معاویه و نگاه حقارت بارش به ایرانیان، مبارزان سلحشور ایران از پای ننشستند، تا بساط بنی امیه را برانداختند و بانی عباس نیز به مبارزه پرداختند و ایران را از سلطه ی خلفای بغداد رها ساختند، حکومت طاهریان پایانی بود بر این سلطه ی نامشروع خلفای عرب.

یزید بن مهلب را به امارت خراسان فرستاد، یزید لشکری فرمان آورد تا با فتح گرگان و طبرستان قلمرو خود را وسعت دهد، هر نظام کامه و نامشروع است، این به نام اسلام مسند نشین فاسد، حتّاً وجود حضرت رضا را در اندک تحلل کند، که در تمام ایران چگونه چنین حکومتی را بپذیرند؟ لذا مبارزه ادامه می یابد، از خلافت معاویه و نگاه حقارت بارش به ایرانیان، مبارزان سلحشور ایران از پای ننشستند، تا بساط بنی امیه را برانداختند و بانی عباس نیز به مبارزه پرداختند و ایران را از سلطه ی خلفای بغداد رها ساختند، حکومت طاهریان پایانی بود بر این سلطه ی نامشروع خلفای عرب.

یزید بن مهلب را به امارت خراسان فرستاد، یزید لشکری فرمان آورد تا با فتح گرگان و طبرستان قلمرو خود را وسعت دهد، هر نظام کامه و نامشروع است، این به نام اسلام مسند نشین فاسد، حتّاً وجود حضرت رضا را در اندک تحلل کند، که در تمام ایران چگونه چنین حکومتی را بپذیرند؟ لذا مبارزه ادامه می یابد، از خلافت معاویه و نگاه حقارت بارش به ایرانیان، مبارزان سلحشور ایران از پای ننشستند، تا بساط بنی امیه را برانداختند و بانی عباس نیز به مبارزه پرداختند و ایران را از سلطه ی خلفای بغداد رها ساختند، حکومت طاهریان پایانی بود بر این سلطه ی نامشروع خلفای عرب.

یزید بن مهلب را به امارت خراسان فرستاد، یزید لشکری فرمان آورد تا با فتح گرگان و طبرستان قلمرو خود را وسعت دهد، هر نظام کامه و نامشروع است، این به نام اسلام مسند نشین فاسد، حتّاً وجود حضرت رضا را در اندک تحلل کند، که در تمام ایران چگونه چنین حکومتی را بپذیرند؟ لذا مبارزه ادامه می یابد، از خلافت معاویه و نگاه حقارت بارش به ایرانیان، مبارزان سلحشور ایران از پای ننشستند، تا بساط بنی امیه را برانداختند و بانی عباس نیز به مبارزه پرداختند و ایران را از سلطه ی خلفای بغداد رها ساختند، حکومت طاهریان پایانی بود بر این سلطه ی نامشروع خلفای عرب.

یزید بن مهلب را به امارت خراسان فرستاد، یزید لشکری فرمان آورد تا با فتح گرگان و طبرستان قلمرو خود را وسعت دهد، هر نظام کامه و نامشروع است، این به نام اسلام مسند نشین فاسد، حتّاً وجود حضرت رضا را در اندک تحلل کند، که در تمام ایران چگونه چنین حکومتی را بپذیرند؟ لذا مبارزه ادامه می یابد، از خلافت معاویه و نگاه حقارت بارش به ایرانیان، مبارزان سلحشور ایران از پای ننشستند، تا بساط بنی امیه را برانداختند و بانی عباس نیز به مبارزه پرداختند و ایران را از سلطه ی خلفای بغداد رها ساختند، حکومت طاهریان پایانی بود بر این سلطه ی نامشروع خلفای عرب.

یزید بن مهلب را به امارت خراسان فرستاد، یزید لشکری فرمان آورد تا با فتح گرگان و طبرستان قلمرو خود را وسعت دهد، هر نظام کامه و نامشروع است، این به نام اسلام مسند نشین فاسد، حتّاً وجود حضرت رضا را در اندک تحلل کند، که در تمام ایران چگونه چنین حکومتی را بپذیرند؟ لذا مبارزه ادامه می یابد، از خلافت معاویه و نگاه حقارت بارش به ایرانیان، مبارزان سلحشور ایران از پای ننشستند، تا بساط بنی امیه را برانداختند و بانی عباس نیز به مبارزه پرداختند و ایران را از سلطه ی خلفای بغداد رها ساختند، حکومت طاهریان پایانی بود بر این سلطه ی نامشروع خلفای عرب.

یزید بن مهلب را به امارت خراسان فرستاد، یزید لشکری فرمان آورد تا با فتح گرگان و طبرستان قلمرو خود را وسعت دهد، هر نظام کامه و نامشروع است، این به نام اسلام مسند نشین فاسد، حتّاً وجود حضرت رضا را در اندک تحلل کند، که در تمام ایران چگونه چنین حکومتی را بپذیرند؟ لذا مبارزه ادامه می یابد، از خلافت معاویه و نگاه حقارت بارش به ایرانیان، مبارزان سلحشور ایران از پای ننشستند، تا بساط بنی امیه را برانداختند و بانی عباس نیز به مبارزه پرداختند و ایران را از سلطه ی خلفای بغداد رها ساختند، حکومت طاهریان پایانی بود بر این سلطه ی نامشروع خلفای عرب.

یزید بن مهلب را به امارت خراسان فرستاد، یزید لشکری فرمان آورد تا با فتح گرگان و طبرستان قلمرو خود را وسعت دهد، هر نظام کامه و نامشروع است، این به نام اسلام مسند نشین فاسد، حتّاً وجود حضرت رضا را در اندک تحلل کند، که در تمام ایران چگونه چنین حکومتی را بپذیرند؟ لذا مبارزه ادامه می یابد، از خلافت معاویه و نگاه حقارت بارش به ایرانیان، مبارزان سلحشور ایران از پای ننشستند، تا بساط بنی امیه را برانداختند و بانی عباس نیز به مبارزه پرداختند و ایران را از سلطه ی خلفای بغداد رها ساختند، حکومت طاهریان پایانی بود بر این سلطه ی نامشروع خلفای عرب.

یزید بن مهلب را به امارت خراسان فرستاد، یزید لشکری فرمان آورد تا با فتح گرگان و طبرستان قلمرو خود را وسعت دهد، هر نظام کامه و نامشروع است، این به نام اسلام مسند نشین فاسد، حتّاً وجود حضرت رضا را در اندک تحلل کند، که در تمام ایران چگونه چنین حکومتی را بپذیرند؟ لذا مبارزه ادامه می یابد، از خلافت معاویه و نگاه حقارت بارش به ایرانیان، مبارزان سلحشور ایران از پای ننشستند، تا بساط بنی امیه را برانداختند و بانی عباس نیز به مبارزه پرداختند و ایران را از سلطه ی خلفای بغداد رها ساختند، حکومت طاهریان پایانی بود بر این سلطه ی نامشروع خلفای عرب.

یزید بن مهلب را به امارت خراسان فرستاد، یزید لشکری فرمان آورد تا با فتح گرگان و طبرستان قلمرو خود را وسعت دهد، هر نظام کامه و نامشروع است، این به نام اسلام مسند نشین فاسد، حتّاً وجود حضرت رضا را در اندک تحلل کند، که در تمام ایران چگونه چنین حکومتی را بپذیرند؟ لذا مبارزه ادامه می یابد، از خلافت معاویه و نگاه حقارت بارش به ایرانیان، مبارزان سلحشور ایران از پای ننشستند، تا بساط بنی امیه را برانداختند و بانی عباس نیز به مبارزه پرداختند و ایران را از سلطه ی خلفای بغداد رها ساختند، حکومت طاهریان پایانی بود بر این سلطه ی نامشروع خلفای عرب.

یزید بن مهلب را به امارت خراسان فرستاد، یزید لشکری فرمان آورد تا با فتح گرگان و طبرستان قلمرو خود را وسعت دهد، هر نظام کامه و نامشروع است، این به نام اسلام مسند نشین فاسد، حتّاً وجود حضرت رضا را در اندک تحلل کند، که در تمام ایران چگونه چنین حکومتی را بپذیرند؟ لذا مبارزه ادامه می یابد، از خلافت معاویه و نگاه حقارت بارش به ایرانیان، مبارزان سلحشور ایران از پای ننشستند، تا بساط بنی امیه را برانداختند و بانی عباس نیز به مبارزه پرداختند و ایران را از سلطه ی خلفای بغداد رها ساختند، حکومت طاهریان پایانی بود بر این سلطه ی نامشروع خلفای عرب.

یزید بن مهلب را به امارت خراسان فرستاد، یزید لشکری فرمان آورد تا با فتح گرگان و طبرستان قلمرو خود را وسعت دهد، هر نظام کامه و نامشروع است، این به نام اسلام مسند نشین فاسد، حتّاً وجود حضرت رضا را در اندک تحلل کند، که در تمام ایران چگونه چنین حکومتی را بپذیرند؟ لذا مبارزه ادامه می یابد، از خلافت معاویه و نگاه حقارت بارش به ایرانیان، مبارزان سلحشور ایران از پای ننشستند، تا بساط بنی امیه را برانداختند و بانی عباس نیز به مبارزه پرداختند و ایران را از سلطه ی خلفای بغداد رها ساختند، حکومت طاهریان پایانی بود بر این سلطه ی نامشروع خلفای عرب.

یزید بن مهلب را به امارت خراسان فرستاد، یزید لشکری فرمان آورد تا با فتح گرگان و طبرستان قلمرو خود را وسعت دهد، هر نظام کامه و نامشروع است، این به نام اسلام مسند نشین فاسد، حتّاً وجود حضرت رضا را در اندک تحلل کند، که در تمام ایران چگونه چنین حکومتی را بپذیرند؟ لذا مبارزه ادامه می یابد، از خلافت معاویه و نگاه حقارت بارش به ایرانیان، مبارزان سلحشور ایران از پای ننشستند، تا بساط بنی امیه را برانداختند و بانی عباس نیز به مبارزه پرداختند و ایران را از سلطه ی خلفای بغداد رها ساختند، حکومت طاهریان پایانی بود بر این سلطه ی نامشروع خلفای عرب.

یزید بن مهلب را به امارت خراسان فرستاد، یزید لشکری فرمان آورد تا با فتح گرگان و طبرستان قلمرو خود را وسعت دهد، هر نظام کامه و نامشروع است، این به نام اسلام مسند نشین فاسد، حتّاً وجود حضرت رضا را در اندک تحلل کند، که در تمام ایران چگونه چنین حکومتی را بپذیرند؟ لذا مبارزه ادامه می یابد، از خلافت معاویه و نگاه حقارت بارش به ایرانیان، مبارزان سلحشور ایران از پای ننشستند، تا بساط بنی امیه را برانداختند و بانی عباس نیز به مبارزه پرداختند و ایران را از سلطه ی خلفای بغداد رها ساختند، حکومت طاهریان پایانی بود بر این سلطه ی نامشروع خلفای عرب.

یزید بن مهلب را به امارت خراسان فرستاد، یزید لشکری فرمان آورد تا با فتح گرگان و طبرستان قلمرو خود را وسعت دهد، هر نظام کامه و نامشروع است، این به نام اسلام مسند نشین فاسد، حتّاً وجود حضرت رضا را در اندک تحلل کند، که در تمام ایران چگونه چنین حکومتی را بپذیرند؟ لذا مبارزه ادامه می یابد، از خلافت معاویه و نگاه حقارت بارش به ایرانیان، مبارزان سلحشور ایران از پای ننشستند، تا بساط بنی امیه را برانداختند و بانی عباس نیز به مبارزه پرداختند و ایران را از سلطه ی خلفای بغداد رها ساختند، حکومت طاهریان پایانی بود بر این سلطه ی نامشروع خلفای عرب.

یزید بن مهلب را به امارت خراسان فرستاد، یزید لشکری فرمان آورد تا با فتح گرگان و طبرستان قلمرو خود را وسعت دهد، هر نظام کامه و نامشروع است، این به نام اسلام مسند نشین فاسد، حتّاً وجود حضرت رضا را در اندک تحلل کند، که در تمام ایران چگونه چنین حکومتی را بپذیرند؟ لذا مبارزه ادامه می یابد، از خلافت معاویه و نگاه حقارت بارش به ایرانیان، مبارزان سلحشور ایران از پای ننشستند، تا بساط بنی امیه را برانداختند و بانی عباس نیز به مبارزه پرداختند و ایران را از سلطه ی خلفای بغداد رها ساختند، حکومت طاهریان پایانی بود بر این سلطه ی نامشروع خلفای عرب.

یزید بن مهلب را به امارت خراسان فرستاد، یزید لشکری فرمان آورد تا با فتح گرگان و طبرستان قلمرو خود را وسعت دهد، هر نظام کامه و نامشروع است، این به نام اسلام مسند نشین فاسد، حتّاً وجود حضرت رضا را در اندک تحلل کند، که در تمام ایران چگونه چنین حکومتی را بپذیرند؟ لذا مبارزه ادامه می یابد، از خلافت معاویه و نگاه حقارت بارش به ایرانیان، مبارزان سلحشور ایران از پای ننشستند، تا بساط بنی امیه را برانداختند و بانی عباس نیز به مبارزه پرداختند و ایران را از سلطه ی خلفای بغداد رها ساختند، حکومت طاهریان پایانی بود بر این سلطه ی نامشروع خلفای عرب.

یزید بن مهلب را به امارت خراسان فرستاد، یزید لشکری فرمان آورد تا با فتح گرگان و طبرستان قلمرو خود را وسعت دهد، هر نظام کامه و نامشروع است، این به نام اسلام مسند نشین فاسد، حتّاً وجود حضرت رضا را در اندک تحلل کند، که در تمام ایران چگونه چنین حکومتی را بپذیرند؟ لذا مبارزه ادامه می یابد، از خلافت معاویه و نگاه حقارت بارش به ایرانیان، مبارزان سلحشور ایران از پای ننشستند، تا بساط بنی امیه را برانداختند و بانی عباس نیز به مبارزه پرداختند و ایران را از سلطه ی خلفای بغداد رها ساختند، حکومت طاهریان پایانی بود بر این سلطه ی نامشروع خلفای عرب.

یزید بن مهلب را به امارت خراسان فرستاد، یزید لشکری فرمان آورد تا با فتح گرگان و طبرستان قلمرو خود را وسعت دهد، هر نظام کامه و نامشروع است، این به نام اسلام مسند نشین فاسد، حتّاً وجود حضرت رضا را در اندک تحلل کند، که در تمام ایران چگونه چنین حکومتی را بپذیرند؟ لذا مبارزه ادامه می یابد، از خلافت معاویه و نگاه حقارت بارش به ایرانیان، مبارزان سلحشور ایران از پای ننشستند، تا بساط بنی امیه را برانداختند و بانی عباس نیز به مبارزه پرداختند و ایران را از سلطه ی خلفای بغداد رها ساختند، حکومت طاهریان پایانی بود بر این سلطه ی نامشروع خلفای عرب.

یزید بن مهلب را به امارت خراسان فرستاد، یزید لشکری فرمان آورد تا با فتح گرگان و طبرستان قلمرو خود را وسعت دهد، هر نظام کامه و نامشروع است، این به نام اسلام مسند نشین فاسد، حتّاً وجود حضرت رضا را در اندک تحلل کند، که در تمام ایران چگونه چنین حکومتی را بپذیرند؟ لذا مبارزه ادامه می یابد، از خلافت معاویه و نگاه حقارت بارش به ایرانیان، مبارزان سلحشور ایران از پای ننشستند، تا بساط بنی امیه را برانداختند و بانی عباس نیز به مبارزه پرداختند و ایران را از سلطه ی خلفای بغداد رها ساختند، حکومت طاهریان پایانی بود بر این سلطه ی نامشروع خلفای عرب.

یزید بن مهلب را به امارت خراسان فرستاد، یزید لشکری